فصلنامه علمی - پژوهشی «امنیت‌پژوهی»
سال یازدهم: شماره ۴۰- زمستان ۱۳۹۱

Amniat Pajouhi: A Quarterly Scientific – Research Journal
Vol 11, No 40, winter 2013

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۳ **تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱۰/۲۱**

عدالت در اندیشه متفکرین اسلامی

مقایسه تطبیقی آراء رهبر انقلاب اسلامی و شهید مطهری

محمد باقر خرمشاد[۱]
مصطفی ساوه‌درودی[۲]

چکیده

عدالت به عنوان یکی از دغدغه‌های جامعه انسانی به لحاظ داشتن جایگاه و پیشینه‌ای که در ادیان و مکاتب سیاسی داشته، در کنار مفاهیمی مانند آزادی، امنیت، دموکراسی همواره مورد توجه بوده و در این مسیر اندیشمندان و متفکرین در تعریف از عدالت و راه رسیدن به آن به بیان نظرات خود پرداخته‌اند.

رهبر انقلاب اسلامی و آیت‌الله مطهری به عنوان متفکرین عدالت خواه در ردیف اندیشمندانی قرار دارند که مبتنی بر آموزه‌های دینی و اسلامی در نظرات خود به این مهم پرداختند که این مقاله در تبیین نظرات این دو اندیشمند با این سوال که مبانی نظری و عملی هر کدام از آنها در باب عدالت چیست و راه کار رسیدن به آن کدام است؟ به تشریح دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و استاد مطهری پرداخته و نقاط اشتراک و افتراق اندیشه آن‌ها در دو محور نظری و عملی پیرامون عدالت مورد واکاوی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: *عدالت، آیت‌الله خامنه‌ای، استاد مطهری، اعتدال، معنویت.*

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی KHORAMSHAD@iPiS.IR
۲. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) MO_DOROUDI@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

بررسی اینکه مسئله عدالت، دغدغه راستین کدام یک از جریان‌ها و مکاتب سیاسی بوده، مهم است. در تاریخ ایران ناسیونالیسم، استقلال‌طلبی و ملی‌گرایی را دنبال می‌کرد، لیبرالیسم در نگاه داخلی خود درمانده و با شعار قانون‌گرایی، بیشتر آزادی را دنبال می‌کرد. جریان اسلامی در نگاه اول به دنبال حاکمیت اسلام بود و عدالت و آزادی را در درجه دوم قرار داد. سوسیالیسم با وجود شعار مردم‌پسند مساوات و برابری و با وجود داشتن برنامه قوی و مکتوب در رسیدن به عدالت، به علت نگاه ماتریالیستی خود در مقایسه با جریان اسلامی که فاقد برنامه منسجم و مکتوبی بود، با اقبال مناسبی در جامعه ایران رو به رو نشد. از این رو هر چهار جریان با تشتت رو به رو بوده و بر همین اساس قبل از انقلاب اسلامی و در جریان انقلاب و حتی بعد از آن نسخه آماده‌ای برای مشکل عدالت پیدا نشده و این مهم همچنان در نظر و عمل مغفول مانده و ابهامات، نارسایی‌ها و نبود مصادیق و چارچوب‌های اجتماعی عدالت همچنان مهمترین گره مسئله عدالت است که با وجود تلاش‌هایی که از زمان انقلاب مشروطه برداشته شده، همچنان گم‌شده جامعه ایرانی است. در بین جریان‌های فکری-سیاسی، اندیشه اسلام‌گرایی و متفکرین آن با توجه به اهمیت این موضوع در اسلام و مبانی دینی بیشترین تلاش خود را برای ارایه نظریه در مورد عدالت و اجرایی نمودن آن در جامعه اسلامی داشتند که این مهم در طول زمان همواره دغدغه اصلی رهبران و متفکرین این جریان بوده است. رهبر انقلاب اسلامی ایران به عنوان ولی فقیه و استاد مطهری به عنوان یکی از اثرگذارترین نظریه پردازان اسلامی در طول نیم قرن اخیر به بیان نظرات خود در این باب پرداختند که شناخت از آن می‌تواند برخی از گره‌های مسئله عدالت را باز و راه کار عملی نمودن آن را در جامعه اسلامی بیان نماید.

سوال: اندیشه عدالت خواهی و راه کار اجرایی نمودن آن در جامعه اسلامی از نظر رهبر انقلاب اسلامی و شهید مطهری چیست و راه کار رسیدن به آن کدام است؟

فرضیه: عدالت خواهی در نظر رهبری مبتنی بر شاخص‌های عدالت اجتماعی شامل اعطای حقوق، مساوات و عدم تبعیض، اعتدال، توازن و انصاف است. این اندیشه در نظر شهید مطهری مبتنی بر موزون بودن، تساوی، رعایت حقوق افراد و رعایت قابلیت‌هاست. هر دو نفر راه کار رسیدن به عدالت را مبتنی بر آموزه‌های دینی از طریق اجرایی نمودن احکام اسلامی و توجه به طبقه محروم جامعه و توازن تعریف نموده‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

روش تحقیق: این مقاله تحلیلی- توصیفی بوده و از طریق تحلیل محتوی و مستند به سایت رهبر انقلاب اسلامی و کتاب‌های شهید مطهری تهیه شده است.

۱ -عدالت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

یکی از مهمترین رویکردهایی که جریان اسلام‌گرایی به آن توجه ویژه‌ای داشته، مسئله عدالت و چگونگی اجرای آن در جامعه اسلامی است. این مهم به عنوان یکی از نقاط کانونی مورد توجه اندیشمندان و متفکرین این جریان در تاریخ معاصر ایران قرار داشته و منشاء بروز تحولات اثرگذار در فاهمه عمومی ملت و مقومی برای تحرک بخشیدن به جنبش‌های اسلامی بوده است.

فراز و فرود اندیشه عدالت‌طلبی متناسب با تحولات جامعه ایران بیشتر در عصر قاجار و بعد از ماجرای تنباکو و فتوای معروف میرزای شیرازی در برابر زیاده‌خواهی‌های استعمار و بی‌لیاقتی پادشاهان قاجار نمود یافت و از آن زمان به بعد قدرت برتر جریان اسلام‌گرایی در جامعه ایرانی به عنوان نقطه عطف مبارزات ملت برای استقرار عدالت در ایران حرکت به سوی عدالت‌طلبی را ساماندهی کرد. در عصر پهلوی این روند در مبارزات ملت ایران همچنان ناظر بر عدالت‌طلبی و برای رسیدن به جامعه آرمانی دینی به عنوان قوی‌ترین جریان فکری در عرصه تحولات ایران چالش‌های جدی را فرا روی حکومت قرار داد که اوج آن بعد از مرجعیت امام (ره) به منصه ظهور رسید. نظرات امام (ره) مبنی بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت (صحیفه نور، جلد سوم: ۱۱۱) گفتمان جدیدی را در برابر گفتمان پهلوی نمایان ساخت که یکی از محورهای اساسی آن استقرار عدالت بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی اندیشه عدالت طلبی متناسب با آموزه‌های دینی و منطق امام (ره) در باب عدالت در ارکان نظام ج.ا.ا برای رسیدن به جامعه آرمانی به طور ویژه مورد توجه اندیشمندان و متفکرین ایرانی قرار گرفت که یکی از آن‌ها دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است که این اندیشه بعد از انتخاب ایشان به عنوان ولی فقیه در سال ۱۳۶۸ نمود قابل توجهی در عرصه تحولات ایرانی داشت. رهبری انقلاب اسلامی اندیشه سیاسی و صراط مستقیمی را که بنیانگذار انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داده بودند، ادامه داد. برزگر در کتاب اندیشه سیاسی امام (ره) با اشاره به اهمیت موضوع صراط معتقد است هر راهی به غایتی ختم می‌شود که در پایان راه در انتظار رهرو است. این صراط در گفتار و نوشتار و حتی عناوین کتب و

Archive of SID

www.SID.ir

جهت‌گیری‌های فکری- سیاسی و رفتاری متفکران مسلمان نمودار شده است. امام شاخص تشخیص مستقیم در هر عصری، نسلی و مکانی است و برای گم نکردن راه باید به راه در پیش گرفته او توجه کرد. این یکی از مهمترین پیام‌های استعاره صراط در اندیشه‌ورزی امام خمینی(ره) و در کل اندیشه سیاسی شیعه است. راه بدون راه‌دان در هیچ دوره‌ای نیست و راه از رهبری تفکیک ناپذیر است. در امام و راه‌دانان نوعی ویژگی پیشتازی، پیشقدمی و قافله سالاری نهفته است (برزگر،۲۹۳:۱۳۹۰). با این تاکید می‌توان گفت توجه و رویکرد رهبر انقلاب اسلامی به موضوع عدالت به عنوان قافله سالار و رهبر نظام ج.ا.ا منطبق بر نظرات امام(ره) و تا حدود زیادی الگوبرداری از زبان قرآن بوده و ایشان در پیروی از اندیشه‌های امام(ره) توجه ویژه‌ای به مسئله عدالت داشته که بیشتر ناظر به کارکرد اجتماعی عدالت است.

در حالی که بیشتر متفکران حوزه‌ی عدالت‌پژوهی کم و بیش بر جنبه‌ی نظری بحث متمرکز شده و کمتر سخن از عدالت در حوزه عملی دارند، نگاه رهبر انقلاب اسلامی در پیروی از اندیشه سیاسی امام(ره) به عدالت به عنوان یک مفهوم ارزشی در نزد مصلحان اجتماعی و متفکران و مردمان محروم و مستضعف از منزلت خاصی در هر دو بخش نظری و عملی برخوردار است. در بخش نظری مفهوم عدالت و تعاریف و اقسام آن و بحث در تعیین اصول عدالت و در بخش عملی برنامه‌ها و شاخص‌های عدالت در حوزه‌های مختلف جامعه از جمله قانون‌گذاری و قضاوت و اقتصاد، نظام آموزشی و بهداشت و درمان در اندیشه‌های رهبری ملموس و قابل مشاهده است.

آیت‌الله خامنه‌ای در نشست هم اندیشی راهبردی[1] در سال ۱۳۹۱، عدالت را دغدغه همیشگی بشر دانسته و با اشاره به ورود متفکران و اندیشمندان تاریخ بشر به این مقوله خاطرنشان کردند بررسی دقیق نشان می‌دهد که با وجود نظریه پردازی‌های مختلف اندیشمندان در مبحث عدالت، نقش ادیان الهی در این مقوله، بی نظیر و استثنایی بوده است. رهبر انقلاب اسلامی، با استناد به قرآن مجید، عدالت را هدف اصلی ادیان برشمرده و افزودند: عدالت، هدف نظام سازی اجتماعی ادیان و حرکت بشر در چارچوب دین بوده است و این اهتمام جدی به عدالت، در هیچ مکتب بشری یافت نمی‌شود.

1.www.khamenei.ir;www.leader.ir

Archive of SID

www.SID.ir

نقطه نظرات رهبری به دو مفهوم برابری و تأمین نیازهای اساسی عموم مردم به عنوان مهمترین دغدغه ایشان برای استقرار عدالت بوده و چارچوب اجرایی عدالت را مبتنی بر شاخص‌های عدالت اجتماعی شامل اعطای حقوق، مساوات و عدم تبعیض، اعتدال، توازن و انصاف قرار داده است. بر همین اساس عدالت اجتماعی و قسط اسلامی را به عنوان مهمترین هدف نظام اسلامی در تمام برنامه‌ریزی‌ها و اهداف حکومتی دانسته و معتقد هستند همه دستگاه‌ها باید برای استقرار آن تلاش کنند. نقطه نظرات رهبر انقلاب اسلامی در باب عدالت مبتنی بر نظر و عمل به شرح زیر قابل بررسی است:

الف) اصول نظری

۱ - مفهوم عدالت

مبنایی‌ترین تعریفی که از عدالت توسط اسلام‌شناسان و اندیشمندان سیاسی قدیم و جدید صورت گرفته است به ترتیب اولویت در دو تعریف مرتبط و مکمل به معنای (وضع کل شیء فی موضعه) یا قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش و به معنای (اعطاء کل ذی‌حق حقه) یا عطاء به میزان استحقاق و حق را به حق‌دار رساندن و استیفای حقوق (رجایی،۲۲:۱۳۷۶) تعریف شده که با استناد به این تعریف عدالت در اندیشه رهبری به هر دو مفهوم اشاره دارد[۱]:

آیت‌الله خامنه‌ای با تفکیک غایات و کمالات اجتماعی از کمالات فردی بر آن است که عدالت در مقایسه‌ی با دیگر فضایل و خیرات اجتماعی در جایگاهی برتر از همه می‌نشیند امّا در مقایسه با کمالات نهایی فرد و رستگاری حقیقی انسان، عدالت، غایت و هدفی متوسط است و برقراری عدالت اجتماعی نمی‌تواند هدف و غایت نهایی انسان باشد. در مورد جایگاه برتر عدالت اجتماعی ایشان معتقد هستند، هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند. این نظام اسلامی که به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است ...[۲]

۲ -عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به معنای احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی و یا شناخت حقوق طبیعی و قراردادی است که جامعه برای تمام افراد قائل می‌شود. برخی از این موارد شامل تقسیم کار و دادن مزد مطابق کارایی، افزودن خدمات و تأمین نیازهای اجتماعی افراد،

---

۱. در استفاده از این موارد سایت اطلاع رسانی رهبر انقلاب اسلامی www.khamenei.ir و www.leader.ir مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. سخنرانی در جمع فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۴/۲۵

Archive of SID

www.SID.ir

تسهیل در پیشرفت کار و رسیدن به سعادت افراد است. از منظر دیگر عدالت اجتماعی قدر و منزلت هر کس را شناختن و به گونه‌ای مناسب با او رفتار کردن معنا شده است (صلیبا،۱۳۶۶: ۴۶۱).

عدالت اجتماعی در یونان باستان محور اصلی فلسفه سیاسی و دغدغه اصلی سقراط و افلاطون در آن دوران (Forest, 2002: 23) بود. در قرن بیستم، جان رالز (Rawls, 1999: 170) بحث عدالت اجتماعی را در کانون مباحث فلسفه سیاسی خود قرار داد (رالز، ۱۳۸۸: ۲۹) و در اندیشه سیاسی اسلام نیز عدالت اجتماعی جایگاه والایی نزد فیلسوفان سیاسی مسلمان داشته است. بر همین اساس عدالت اجتماعی، از جمله مفاهیم عمده در فلسفه سیاسی و بیان‌گر مفهوم خاصی از عدالت است که با اقسام دیگر آن از قبیل عدالت طبیعی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی، عدالت فردی و عدالت اخلاقی تفاوت‌هایی دارد (بیات :۱۳۸۱، ۳۷۸).

ایشان عدالت اجتماعی را جزء شعارهای اصلی و گامی برای استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض دانسته (۶۸/۱۱/۹) و با اشاره به اینکه اساس نظام اسلامی بر رفاه عمومی و عدالت اجتماعی قرار دارد (۷۲/۵/۱۲) معتقد هستند عدالت اجتماعی باید مثل پرچم، در جامعه به اهتزاز درآید. یعنی نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت، نسبت به آحاد مردم، یکسان باشد. در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها، یکسان باشد. البته انسان با یکی دوست و خویشاوند است؛ لذا ارتباطات با همه، به یک صورت نیست (۷۵/۹/۵).

۳ - عدالت و اعتدال

رهبر انقلاب اسلامی با تاکید بر اصل اعتدال در اجرای عدالت، آن را یکی از مهمترین راه کارهای اثرگذار در رفع محرومیت و تأمین نیازمندی‌های قشر محروم جامعه می‌دانند. ایشان در باب اهمیت این اصل، توجه به آن را در همه امور و حتی در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار داده و با اشاره به اهمیت آن در اسلام در تفسیر از تعادل آن را رعایت عدالت محض میان افراد بشر حتی در میان جنس زن و جنس مرد و برابری در حقوق دانسته (۷۶/۷/۳۰) و معتقد است: در بنای یک جامعه، عدالت از همه‌چیز مهم‌تر است. عدالت به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت یعنی این که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد (۶۸/۱۲/۲۲).

Archive of SID

www.SID.ir

رهبری انقلاب اسلامی ضمن تاکید بر اعتدال، قرار دادن عدل در جای خود را از مصادیق اجرای عدالت دانسته و آن را برای حاکمان جامعه ضروری و لازم می‌داند. ایشان با اشاره به اینکه یکی از پایه‌های ایمان عدل بوده و معنای لغوی آن هم یعنی میانه است می‌فرمایند: اعتدال هم که می‌گویند، از این واژه است. یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ‌روی و بدون راست‌روی. این هم که می‌گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می‌آید. در رفتار آنان، عدل لازم است. برای حکمران، عدل لازم است. در موضع گیری، عدل لازم است. در اظهار محبت و نفرت، عدل لازم است. قرآن فرموده است: «و لا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا». دشمنی با کسی موجب نشود که شما درباره او از عدالت کناره بگیرید و عدالت را رعایت نکنید؛ «اعدلوا هو اقرب للتقوی». بنابراین عدل هم یکی از پایه‌های ایمان است. اگر عدل بود، ایمان می‌ماند (۸۳/۸/۲۰).

۴ -عدالت و مساوات

در کلام رهبر انقلاب اسلامی عدل و مساوات مبتنی بر اندیشه‌های فقهی به معنای دو مفهوم جداگانه از هم تفسیر شده و با تأکید بر تعریف عدالت به معنای هر چیز در جای خود معتقد به دوگانه بودن معنای این دو بوده و می‌فرمایند:عدالت، غیر از مساوات است؛ اشتباه نشود. گاهی مساوات، ظلم است. عدالت، یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن و به هر کسی حق او را دادن (۷۷/۲/۱۸). قسط و عدل با دستوری که اسلام معین کرده، بهترین تضمین و تأمین کننده عدالت است. این، در نظر امیرالمؤمنین (ع) آن اولویت درجه اول بود. جامعه اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان شاهد و مبشر و هدایت‌گر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست، ولو همه ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. عدالت برجسته‌ترین مسأله در زندگی حکومتی امیرالمؤمنین (ع) بود. پیغمبر اکرم (ص) که چنین عنصری را به حکومت و ولایت مسلمین منصوب می‌کند، در حقیقت اهمیت عدل را بیان می‌کند (۷۱/۳/۳۰). ما کارهای گوناگون [رفاه، سازندگی، توسعه] را برای قسط و عدل می‌خواهیم، برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه باید بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند

Archive of SID

www.SID.ir

رشد کنند، به مقامات عالی بیشتری برسند و کمال انسانی خود را به دست آورند. قسط و عدل یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است (۸۱/۹/۱۵).

۵ -عدالت و معنویت

از جمله مهم‌ترین مباحثی که در کلام رهبری در تفسیر از عدالت آمده مربوط به تأکید دین و ائمه نسبت به موضوع عدالت است. سخنان ایشان بیشتر در تفسیر اندیشه برخی از روشن‌فکران دینی مانند سروش مبنی بر این که «عدالت یک امری عصری و ما در هر دورانی، درکی از عدالت داریم» (سروش،۳۴:۱۳۸۰) صورت گرفته و ضمن رد این نظر معتقد است: مسأله بعثت، یک حقیقت طبیعی این عالم و یک حالت قطعی و حتمی برای بشریت است. آن عدل و حقی که با بعثت خاتم‌الانبیاء (ص) در عالم مطرح شد، برای این نبود که جمعی از مردم در برهه‌ای از زمان، آن را قبول بکنند و بخش عظیمی از تاریخ بشر و انسان‌ها، آن را نپذیرند؛ بلکه مطرح شد تا عالم و انسان را طبق پیشنهاد خود بسازد و بشریت و همه وجود را از این راه به کمال برساند و این خواهد شد؛ اگر نشود، نقض غرض خواهد بود (۶۸/۱۲/۴).

ایشان در رد اندیشه متفکرانی که در دهه سوم انقلاب اسلامی تفکر تفکیک دین از دنیا را مطرح کرده و نظریه اخروی اخروی و یا دنیوی دنیوی را در استقرار عدالت به کار می‌بردند[۱]، این تفکر را مخرب دانسته و خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ را نابود کردن عدالت و معنویت برشمرده و در این رابطه می‌فرمایند: دنیا به معنای فرصت‌های زندگی انسان، به معنای نعمت‌های پراکنده در عرصه جهان، به معنای زیبایی‌ها و شیرینی‌ها، تلخی‌ها و مصیبت‌ها وسیله رشد و تکامل انسان است. این‌ها هم از نظر دین ابزارهایی هستند برای این که انسان بتواند راه خود را به سوی تعالی و تکامل و بروز استعدادهایی که خدا در وجود او گذاشته است، ادامه دهد. دنیای به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. سیاست و اقتصاد و حکومت و حقوق و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست.[۲]

---

۱. شاخص‌ترین این افراد سروش است که در کتاب اخلاق خدایان این نظریه را مطرح کرده است.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظّم رهبری www.khamenei.ir & www.leader.ir

Archive of SID

www.SID.ir

ب) اصول عملی

۱ - برنامه ریزی در عدالت

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این نکته‌ی مهم که عرصه‌های حیات جمعی اقتضائات خاص خود را دارد و برای تحقق عدالت در آن شاخص‌ها و معیارهای ویژه‌ی آن باید تعریف شود، تأکید می‌کنند که تعریف عدالت و نظریه‌پردازی و مفهوم‌سازی‌های مرسوم برای تحقق عدالت کفایت نمی‌کند و لازم است در ساخت‌های مختلف جامعه از اقتصاد و قانون‌گذاری و نظام قضا گرفته تا نظام آموزشی و بهداشت، شاخص‌ها و معیارهای عدالت تفکیک‌شده تعیین شود تا در برنامه‌ریزی عدالت محور و انجام فعالیت‌های اجرایی برای تحقق عدالت معیاری برای داوری وجود داشته باشد. بر این اساس رهبر انقلاب اسلامی راه‌کار رسیدن به عدالت را برنامه-ریزی منطقی و صحیح مبتنی بر آموزه‌های دینی دانسته و معتقد است اجرای آن نیاز به همدلی و همکاری مبادی ذی‌ربط و مسئول در نظام دارد. ایشان اولویت اول برنامه‌ریزی را مبتنی بر اهداف پیامبر اسلام که رسیدن به عدالت اجتماعی بود در همین راستا مورد ارزیابی قرار داده و در کنار قسط آن را فوری‌ترین هدف نظام ج.ا.ا می‌داند. ایشان در همین رابطه می‌فرماید:معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی چیست؟ چگونه عدالت تأمین می‌شود؟ این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم و در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت مورد نظر برسیم (۸۹/۶/۸).

ایشان با تاکید بر اینکه در جمهوری اسلامی عدل یک پیام شخصی نیست، بلکه یک نظام اجتماعی است. عادلانه رفتار کردن انسان را کافی ندانسته و معتقد هستند: عدل معنایش این است که باید جامعه قائم به قسط باشد. «لیقوم الناس بالقسط» قانون عادلانه، اجرا عادلانه، نظارت عادلانه، قضاوت عادلانه، و تقسیم عادلانه. این خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب می‌شود (۷۱/۱۰/۱۷).جهت اقدامات باید برای تأمین عدالت اجتماعی باشد. از مسئولان اجرایی، تا مسئولان قضایی، تا قانون‌گذاران، تا روحانیان، تا گویندگان، تا روزنامه‌نگاران، تا روشنفکران و دیگران، همه باید این را وظیفه خودشان بدانند (۷۶/۴/۲۵).

Archive of SID

www.SID.ir

۲ -عدالت اجتماعی و شکاف اجتماعی

رهبری انقلاب اسلامی برقراری عدالت اجتماعی را شرط لازم برای اسلامی شدن جامعه بر شمرده و تحقق دین الهی و واقعی را در پرتو عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن دانسته (۶۸/۱۱/۹) و بر همین مبنا فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی را استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی ارزیابی نموده (۶۹/۳/۱۰) و گفتمان عدالت را یک گفتمان اساسی برشمرده و آن را همه چیز نظام ج.ا.ا معرفی نموده و معتقد است منهای عدالت، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت (۸۳/۸/۱۰).

از نگاه رهبر انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین دلایل فقر و محرومیت مربوط به شکاف‌های اجتماعی است. ایشان رفع محرومیت را مهم‌ترین و برترین گام در استقرار عدل دانسته و تلاش برای رفع آن را عامل اساسی در رسیدن انسان به حقوق واقعی و کرامت انسانی معرفی نموده و آن را یکی از اصول اصلی نظام می‌داند. ایشان برای تأمین این حقوق تلاش همه دستگاه‌های ذی‌ربط در سه قوه به‌خصوص رده‌های سیاست‌گذار در کشور را در این راه مؤثر دانسته و با اتکای به روایات فراوان موجود در منابع اسلامی، در تقابل با دیدگاه لیبرالیستی در مورد بازار آزاد و تفکرات افرادی مانند «هایک و نوزیک» در خصوص عدالت توزیعی و نظم خودجوش (مراجعه شود به منابع لاتین) به دنبال دفاع از محرومان و مستضعفان بوده و فقرزدایی و تسکین آلام طبقات ضعیف جامعه را از وظایف مهم دولت اسلامی می‌دانند. از نظر ایشان فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام است[۱] و می‌فرماید: به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ی جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد امّا آن جایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید (۸۸/۱/۱).

---

۱. در قرن بیستم بیشتر لیبرال‌های راست‌گرا مانند هایک، رابرت نوزیک و فریدمن برابری را مخل آزادی و غیر قابل جمع با آن می‌دانند و سخن گفتن از عدالت اجتماعی را در جامعه مرکب از افراد آزاد موجب پیدایش قدرتی برتر و سلب آزادی انسان‌ها می‌شمارند.

Archive of SID

www.SID.ir

۳ -عدالت مادی و معنوی

توازن در اندیشه رهبری به‌عنوان یکی از اصول محوری در اندیشه عدالت‌خواهی ایشان مطرح است. رهبری در رویکرد به عدالت هر دو وجه آن یعنی مادی و معنوی را با هم در نظر گرفته و ضمن رد نظریه یک وجهی بودن عدالت (دنیوی دنیوی یا اخروی اخروی)، رفاه مادی با برخوردار بودن از ارزش‌های اسلامی را ارکان عدالت اجتماعی دانسته و سازندگی را گام مهمی در راه استقرار عدالت و رفع تبعیض و ایجاد برابری حقوق تفسیر نموده و معتقد است: در یک نظام اجتماعی، عدل از همه چیزها بالاتر و با ارزش‌تر است (۷۵/۱۱/۱۸).

آیت الله خامنه‌ای، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام چهار محور ساخت جامعه اسلامی برشمرده و معتقد است اگر هر یک از این چهار رکن اصلی، ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب اسلامی و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد (۶۸/۴/۲۳). بر همین اساس می‌فرمایند: اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت درهم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی نخواهد بود (۸۴/۶/۸).

۴ -عدالت و آزادی

چند وجهی بودن اصول نظام و تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی از جمله عدالت، آزادی، استقلال و معنویت در کلام رهبری از مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه ایشان قرار داشته و با اشاره به ترکیبی بودن آن‌ها تفاوتی ماهوی بین اهداف نظام ج.ا.ا با سایر حکومت‌ها و جریان‌های مرتبط با آن‌ها به‌خصوص لیبرالیسم و سوسیالیست قائل است. دیدگاه مقام معظم رهبری را در مورد رابطه عدالت و آزادی می‌توان تابعی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و نیز کلیات اندیشه اسلامی در این زمینه دانست. ایشان عدالت و آزادی را جزء اصول و خواست‌های انقلاب اسلامی می‌دانند که انقلاب اسلامی اجرای آنها را به صورت توامان مد نظر داده و در مقام مقایسه با عدالت خواهی سایر مکاتب می‌فرماید: این انقلاب اسلامی، ترکیبی از عدالت-خواهی و آزادیخواهی و مردم سالاری و معنویت و اخلاق است؛ منتها این عدالت را نباید با آن عدالت ادّعایی و موهومی که کمونیست‌ها در شوروی سابق یا در کشورهای اقمار خود شعارش را می‌دادند، اشتباه کرد. همچنین آزادی در نظام جمهوری اسلامی را با آزادی غربی - که به

Archive of SID

www.SID.ir

معنای مهارگسیختگی صاحبان قدرت و سرمایه و همچنین به معنای بی‌بندوباری انسان‌ها در هرگونه رفتار و عمل است - نباید اشتباه کرد. آزادی اسلامی هم آزادی اجتماعی و هم آزادی معنوی است (۱۳۸۱/۰۳/۱۴).

۵ -عدالت و توسعه

رهبر انقلاب اسلامی ایران بر این نکته تأکید دارد که توسعه و پیشرفت باید جهت‌دار بوده و در چارچوب تأمین عدالت اجتماعی تعریف شود. فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها، از نظر رهبر انقلاب اسلامی از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام است و معتقد هستند: ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن فکر نکنیم، نه این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم.[1] در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتماً یکی از شاخص‌های اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه مطلوب ما نیست (۸۲/۵/۱۵).

در مجموع نگاه رهبری انقلاب اسلامی به موضوع عدالت بیشتر متمرکز بر اجرای عدالت اجتماعی بوده و آن را در کنار مواردی مانند رفع فقر و محرومیت از جامعه تفسیر کرده و معتقد است راه برون رفت از فقر و تبعات ناشی از آن مستلزم توجه به عدالت اجتماعی است.

1- www.khamenei.ir;www.leader.ir

Archive of SID

www.SID.ir

نمای عدالت اجتماعی از منظر رهبری انقلاب

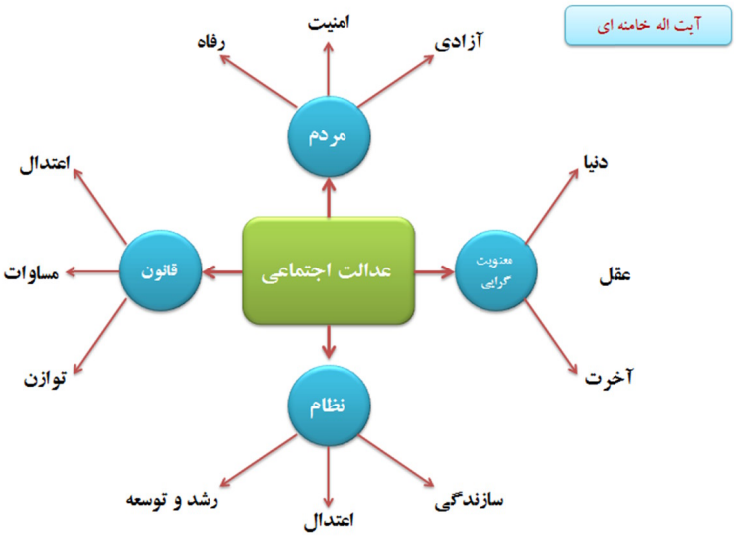

۲ -عدالت در اندیشه شهید مطهری

مفهوم عدالت در اندیشه استاد مطهری مبتنی بر دیدگاه فلسفه و اندیشه سیاسی سیاست-نامه‌ای است. بحث فلسفی و عقلی او درباره عدالت و تأکید وی بر اینکه عدالت یعنی این که هر چیز در جای خودش قرار داشته باشد، نمایان‌گر رابطه اندیشه او با بحث‌های فارابی و افلاطون و ارسطو است و هنگامی که از تأثیر عدالت بر بقای جامعه، به‌خصوص با استناد به حدیث نبوی «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»، سخن می‌گوید، در واقع، به عدالت در مفهوم سیاست‌نامه‌ای آن نظر داشته است. مفهوم عدالت در تفسیر سیاست‌نامه‌ای، در خدمت بقای ملک و سیاست است و بدون آن سیاست مختل می‌شود.

استاد مطهری در اندیشه سیاسی خود بر مفهوم «حقوق طبیعی» تکیه داشت. او با استفاده از مقوله‌های ارسطویی[۱]، که در دوره اسلامی ایران در فلسفه اسلامی بسط یافته بود، تبیین مفهوم عدالت را مرکز توجه قرار داد. او برابری در مقابل قانون، برابری در آزادی و برابری نژادی را در حکم مفاهیمی که عدالت با رجوع به آن‌ها تبیین می‌شود، پذیرفت و در مورد برابری

۱. درک ارسطویی از عدالت آن است که با برابرها، باید رفتاری برابر داشت و با نابرابرها به گونه‌ای نابرابر رفتار کرد.

Archive of SID

www.SID.ir

اقتصادی با رد برداشت رادیکال و لیبرال از عدالت، راه حل میانه‌ای را در پیش گرفت که به نظر او، تبیین عدالت از نظر اسلام است. در بحث چگونگی تحقق عدالت در جامعه به قانون و ایمان، در حکم پشتوانه‌های تحقق عدالت، متوسل می‌شد و مسابقه بقا در جامعه‌ای اندام‌وار با شرایط مساوی را برای همه مردم از مهم‌ترین راه‌های تحقق عدالت می‌دانست (مرامی،۱۷۶:۱۳۷۸).

مطهری بر آن است که دستگاه خلقت با روشن‌بینی و توجه به هدف موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آن‌ها در آن نهفته هدایت می‌کند و هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی است (مطهری،۱۴۸:۱۳۵۷). ایشان معتقد است اسلام تنها به تکلیف مردم در برابر حکومت قائل نیست، بلکه، متأثر از همان مبنای اولیه عدالت و حقوق طبیعی، مردم را صاحب حق و نه صرفاً وظیفه و تکلیف، در مقابل حاکمیت دانسته و می‌گوید با اتکاء به افکار کلیسا این فکر عرضه شد که مردم در زمینه حکومت فقط تکلیف و وظیفه دارند نه حق. همین کافی بود که تشنگان آزادی و دموکراسی و حکومت را بر ضد کلیسا بلکه بر ضد دین بر انگیزد (مطهری،۱۵۷:بی تا). نظرات استاد مطهری در عدالت را می‌توان به دو جنبه نظری و عملی تقسیم نمود:

الف) نظری

۱ - مفهوم عدل

شهید مطهری در بحث عدالت ابتدا به ۴ تعریف (موزون بودن، تساوی، رعایت حقوق افراد و رعایت قابلیت‌ها) عدالت پرداخت و از میان این تعاریف تأکید بیشتر بر رعایت حقوق افراد داشته و معتقد است افراد بشر باید به یک چشم نگاه شوند، قانون بین افراد تبعیض قائل نشود و استحقاق‌ها را رعایت کند. افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آن‌ها به مساوات رفتار کند. پس افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند قانون هم نباید با آن‌ها مساوی رفتار کند بلکه مطابق شرایط خودشان با آن‌ها رفتار نماید (مطهری،۳۱۷:۱۳۷۲). بنابراین عدالت، عبارت است از این‌که آن استحقاق و آن حقّی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعّالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود. نقطه مقابل ظلم است که آن‌چه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند (مطهری،۱۵۸:۱۳۸۸).

Archive of SID

www.SID.ir

۲ - مساوات و عدالت

شهید مطهری با تمایز قائل شدن بین مفهوم عدالت و مساوات آن‌ها را در یک ردیف قرار نمی‌دهد و معتقد است یکسان دیدن انسان‌ها منجر به برهم خوردن نظم و اجتماعی می‌شود. تأکید ایشان به رعایت عدالت بر اساس شایستگی افراد بوده و رعایت توازن را از جمله راه-کارهای رسیدن به عدالت معرفی می‌کند. بر اساس همین نظریه معتقد است:هر فردی از نظر آفرینش، دارای استعدادها و شایستگی‌های خاصّی است که اگر حقّ وی را مناسب با آن، ادا کنیم، با وی به عدالت رفتار کرده‌ایم. اگر گاهی هم گفته می‌شود که عدالت همان مساوات قانونی است، به این معنا است که همه افراد باید در برابر قانون یکسان باشند و قانون میان آن‌ها تبعیض قائل نشود؛ بلکه استحقاق‌ها را رعایت کند؛ یعنی قانون با هر فردی مناسب با استعدادها و وضع خاص او رفتار کند (مطهری،۱۳۸۸:۱۶۰).

شهید مطهری ضمن رد اندیشه سوسیالیسم در تفسیر از عدالت، برداشت از عدالت را به معنای مساوات و برابر کردن افراد در پاداش‌ها و نعمت‌ها، از مصادیق ظلم و تجاوز دانسته و آن را عاملی برای تخریب اجتماع برشمرده و با تاکید بر ضرورت تفاوت قائل شدن بین افراد معتقد است: معنایی که قدما برای عدالت می‌کنند اینست «اعطاء کل ذی‌حق حقه» یعنی هر چیزی و هر شخصی در متن خلقت با یک شایستگی مخصوص به خود به دنیا آمده است. حقوق هم از همین جا پیدا می‌شود یعنی از ساختمان ذاتی اشیاء. ما باید هر چیزی را در ذاتش مطالعه بکنیم بعد ببینیم که او شایستگی چه چیزی را دارد و چه استعدادی در وجود او هست یعنی طبیعتش چه تقاضایی دارد (مطهری،۱۳۸۸:۳۳۷).

۳ - عدالت به معنای حق در اسلام

استاد مطهری در تفسیر از عدالت به حق اشاره کرده و آن را اعطای حق به صاحب حق دانسته و معتقد است: اساس اسلام مبتنی بر حق و عدالت بوده و دستورهای خود را طوری تنظیم کرد که هر حقی به ذی‌حق خود برسد. اسلام دستورهای خود را مطابق حق و عدالت تنظیم کرد، عدالت یعنی «اعطاء کل ذی‌حق حقه». حق و عدالت امری است که اگر اسلام هم دستور نمی‌داد باز حقیقتی بود و حقیقت بودنش طوری نمی‌شد (مطهری، ۱۳۸۸:۳۳۷). عدالت خودش واقعیت دارد چون حق واقعیت دارد. حق از کجا واقعیت دارد؟ حق از متن خلقت گرفته شده است. چون خلقت واقعیت دارد، هر موجودی در متن خلقت یک شایستگی و

Archive of SID

www.SID.ir

یک استحقاق دارد. انسان به موجب کار و فعالیت خودش، استحقاق‌هایی را به وجود می‌آورد و عدالت هم عبارت است از اینکه به هر ذی‌حقی حقش را بدهیم معنی پیدا می‌کند (مطهری،۱۳۷۰:۲۵۹).

از نظر مطهری عدالت در اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار بوده و آن را به عنوان صفت خدا و هدف ارسال انبیاء، نفس الأمری بودن عدالت در کنار مطلق بودن آن، عدالت به معنای تعادل مطرح کرده (مطهری،۱۳۷۰:۴۲) و می‌گوید، پیغمبر فرمود: «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» یعنی اگر یک جامعه، عادل و متعادل باشد قابل بقا هست هر چند مردمش کافر باشند. اگر ظلم و اجحاف در نتیجه تفاوت‌ها و پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌ها در جامعه‌ای پیدا شد آن جامعه باقی نمی‌ماند هر چند مردمش به حسب عقیده مسلمان باشند (مطهری،۱۳۸۸:۹۳). استاد با تقسیم بندی اصل عدالت در فرهنگ اسلامی به عدل الهی و عدل انسانی عدل الهی را شامل عدل تکوینی و عدل تشریعی و عدل انسانی نیز به عدل فردی و عدل اجتماعی تقسیم نموده و عدالت فردی را زیربنای عدالت اجتماعی و عدل الهی و ایمان را پایه و زیربنای عدالت فردی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۸ :۱۶).

۴ -عدالت و قانون

شهید مطهری در تبیین رابطه بین قانون و عدالت ضمن تاکید بر اینکه آن چه باعث استحکام عدالت اجتماعی و فردی می‌شود ایمان به خداوند و معنویت است می‌گوید:این انسان‌ها هستند که باید وجود عینی قانون باشند، پس عمده، عمل به قانون است که مستلزم گذشتن از منافع است. این عمل بدون ایمان به این که عدالت احترام الهی دارد و ظلم مؤاخذه الهی دارد، میسر نیست (مطهری،۱۳۶۸:۱۸۴). مساوات درباره قانون می‌تواند معنی پیدا کند. یعنی قانون افراد را به یک چشم نگاه بکند، قانون خودش میان افراد تبعیض قائل نشود بلکه رعایت استحقاق را بکند. به عبارت دیگر، افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آن‌ها به مساوات رفتار بکند، اما افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند، قانون هم نباید با آن‌ها مساوی رفتار بکند بلکه باید مطابق شرایط خودشان با آن‌ها رفتار بکند (مطهری،۱۳۶۸:۳۱۳).

Archive of SID

www.SID.ir

۵ - عدالت اجتماعی

گفتار کلامی – سیاسی استاد مطهری درباره عدالت مبتنی بر تعریف از عدالت اجتماعی است. ایشان ماهیت عدالت را، قرار دادن هر چیزی در جای خود و رسیدن هر صاحب حقی به تمام حقوق خود دانسته و همان‌طور که اشاره شد به مشخصاتی مثل توازن، تناسب و تعادل اشاره می‌کرد. او معتقد بود اسلام دستورات خود را مطابق حق و عدالت تنظیم کرده است.[۱] بر همین مبنا در نقد سوسیالیست‌ها و لیبرالیست‌ها می‌گوید:

تصور سوسیالیسم از عدالت این است که همه مردم در هر وضعی و شرایطی هستند، هر طور که در جامعه عمل می‌کنند با هر استعدادی باید عیناً مثل هم زندگی کنند ... این برداشت از عدالت اجتماعی، «اجتماعی» محض است یعنی فقط برای جامعه فکر می‌کند. همه چیز در روح جمعی، وجدان جمعی و شعور جمعی خلاصه می‌گردد و انسان‌ها در مرحله قبل از وجود اجتماعی هیچ هویت انسانی نداشته و مانند ظرف خالی هستند که فقط استعداد پذیرش روح جمعی را دارند. این برداشت مغایر با موازین عقل و شرع بوده و آزادی فردی در آن اهمیتی ندارد. جامعه عادلانه و وعده نهایی سوسیالیست‌ها به نوعی استثمار است که پایمال کردن حقوق فرد برای جامعه را به همراه دارد (مطهری،۱۳۶۸:۱۵۰). لیبرال‌ها می‌گویند باید میدان را برای افراد باز گذارد و جلوی آزادی اقتصادی و سیاسی را نباید گرفت. هر کس باید کوشش کند ببیند چقدر درآمد می‌تواند داشته باشد و آن درآمد را به خود اختصاص دهد. دیگر به فرد مربوط نیست که سهم دیگری کمتر است یا بیشتر. البته جامعه در نهایت امر باید برای آن که ضعیف باقی نماند، از طریق بستن مالیات بر اموال افراد غنی زندگی افراد ضعیف را به حدی که از پا در نیایند تأمین کند. تفاوت عمده میان مکتب اسلام با سایر مکاتب در این جهت عدالت آن است که اسلام معنویت را پایه و اساس می‌شمارد. حساسیتی که اسلام در زمینه عدالت اجتماعی و ترکیب آن با معنویت اسلامی، از خود نشان می‌دهد، در هیچ مکتب دیگری نظیر و مانند دارد (مطهری،۱۳۶۸:۱۵۰).

۱.برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) در نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، صدرا.

Archive of SID

www.SID.ir

ب) عملی

۱ - رعایت تعادل

یکی از محوری‌ترین موضوعات مورد توجه در بحث عدالت موضوع تعادل است. استاد مطهری معتقد است اگر تعادل در جامعه وجود نداشته باشد، در سه حوزه افکار و عقاید، اخلاق فردی، رفتار عمومی آثار خود را نشان می‌دهد (مطهری،۱۶۲:۱۳۸۸). شهید مطهری با تاکید بر اصل تعادل در سنت و سیره نبوی و ائمه اطهار و با اشاره به اینکه عدالت عامل تعادل اجتماع بوده و می‌تواند همه را راضی نگه دارد و به پیکره اجتماع، سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد. عدالت را به منزله بزرگ‌راهی برای عبور همه انسان‌ها تعریف کرده و عدم تعادل در جامعه را عامل ایجاد شکاف‌های اجتماعی بر شمرده و می‌گوید: اثر عدم تعادل اجتماعی تنها در طبقه عامه مردم نیست که محروم‌اند، طبقه خاصه یعنی طبقه ممتاز که مواهب را بیشتر به خود اختصاص داده‌اند هم زیان می‌برند؛ طبقه عامه فشرده و عصبی می‌شوند و این طبقه، بی-کاره و بی‌هنر و کم استقامت و ناشکر و کم حوصله و پرخرج (مطهری،۱۰۶:۱۳۸۸).

۲ - برنامه ریزی در عدالت

استاد مطهری راه‌های تحقق عدالت در عرصه اجتماع را رعایت حقوق توده ملت و احترام به حق حاکمیت، توجه به قابلیت‌ها و دوری از تبعیض، مسابقه بقاء، ایمان و عمل به قانون، معنویت اسلامی، نظارت دولت در امور اقتصادی در کنار آزادی سیاسی جامعه دانسته و معتقد است عدل تنها در جوامعی برقرار می‌شود که مردم و حکومت حقوق یکدیگر را رعایت کنند. هرگاه توده ملت به حقوق حکومت وفادار باشند و حکومت حقوق مردم را ادا کند آن وقت است که نشانه‌ها و علایم عدل بدون هیچ‌گونه انحرافی ظاهر می‌شوند و...عمل به قانون مستلزم گذشتن از منافع است. برای اجرای عدالت دو چیز در این جا لازم است: یکی بیداری شعور عامه به حفظ حقوق خود و ایمان به اینکه از حد الهی تجاوز نکنند و دیگری هم ایمان قوی است. پس اساسی‌ترین پشتوانه اجرای عدالت در جامعه، معنویت اسلامی است. اسلام می‌خواهد روح‌ها با هم یکی شوند تا مردم به حکم بلوغ روحی، عاطفه انسانی و اخوت اسلامی ناشی از معنویت اسلام برای رفع تبعیض‌ها گام بردارند (مطهری،۱۹۲:۱۳۶۸).

۳ - عدالت در اسلام

راه‌کارهای عملی ایجاد عدالت اجتماعی از منظر شهید مطهری مبتنی بر آموزه‌های دینی و عمل به قانون با در نظر گرفتن شرایط انسان‌ها است. ایشان برای هموار ساختن این موضوع

Archive of SID

www.SID.ir

مهم از مثال مسابقه استفاده کرده و معتقد است باید شرایط مسابقه برای بقاء با توجه به وضعیت افراد فراهم شود تا هر فردی با توجه به شایستگی و تلاشی که انجام داده به حق خود دسترسی پیدا کند. ایشان در این رابطه چنین می‌گوید: عدالت در عرصه بشری بر دو قسم اجتماعی و فردی است که بعد اجتماعی آن اهمیت بیشتری دارد، چون جوامع انسانی رو به کمال نخواهند رفت مگر آنکه طرح عدالت اجتماعی در آن جامعه پیاده شود. کار به‌عنوان وظیفه اجتماعی ـ انسانی به همراه ایجاد امکانات مساوی برای همگان زیربنای اصلی در جهت سالم‌سازی تلاش‌های جامعه کار است و در ارتباط با تعارض بین مصالح فرد و اجتماع یک اصل که در همه حال باید مد نظر داشت تا قوانین فرعی از آن استنباط شود این است که مجموع دارائی‌های اجتماع متعلق به همه افراد است و مصلحت خاص افراد تنها با مراعات مصلحت عمومی اجتماعی قابل احترام است. در صورت تعارض بین مصالح فرد و اجتماع بدون هیچ‌گونه تردیدی مصالح جمع مقدم بر مصالح فرد می‌گردد و چون عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است، بدون شک عدالت اجتماعی نمی‌تواند مفهومی مغایر با عدالت فردی داشته باشد (مطهری،۱۳۶۸:۱۶).

۴ - عدالت و قانون

شهید مطهری یکی از راه‌کارهای رسیدن به عدالت را عمل به قانون و تفسیر درست و منطقی از آن دانسته می‌گوید: قانون خوب و عالی در درجه اول باید خوب تفسیر شود و در درجه دوم باید خوب اجرا و تنفیذ گردد. اگر خوب تفسیر نشود، فایده ندارد، زیرا همان‌طوری اجرا می‌کنند که تفسیر شده و اگر هم قصد خوب اجرا کردن نداشته باشند برای آن‌ها چه بهتر. وقتی متصدیان تفسیر قانون، مطابق با نیات سوء اجراکنندگان تفسیر کردند، در عمل و در نتیجه خدمتی به آن‌ها کرده‌اند و آن‌ها را از زحمت و دردسر مردم نجات داده‌اند، خواه آن- که تفسیرکنندگان از اول قصدشان این باشد که به قانون و مردم خیانت کنند و یا همچون قصدی نداشته باشد، فقط روی کج‌فهمی بد تفسیر کنند. در تفسیر اصل عدل همین طور شد. همه کسانی که منکر این اصل در اسلام شدند سوء نیتی نداشته‌اند، فقط روی قشری فکر کردن و متعبد مأبانه فکر کردن، مسلمانان را به این روز انداختند (مطهری،۱۳۸۸:۷۶).

Archive of SID

www.SID.ir

۵ -عدالت و مساوات

استاد مطهری در حوزه عملی یکی از راه‌کارهای اجرای عدالت را توجه به اصل مساوات بیان نموده و امر تساوی را بین افراد جامعه مانند میدان مسابقه تشبیه کرده و معتقد است در این میدان لازم است شرایط مسابقه دهندگان هم در نظر گرفته شود تا حقی از کسی ضایع نگردد و می‌گوید:این است که ناهمواری‌ها و پستی و بلندی‌ها و بالا و پایین‌ها و تبعیض‌هایی که منشاء آن سنت‌ها و عادات یا زور و ظلم است باید محو شود و از بین برود، امّا آن اختلاف‌ها و تفاوت‌ها که منشاء آن لیاقت و استعداد و عمل و کار و فعالیت افراد است باید محفوظ بماند، همان‌طوری که در مسابقه‌ها میدان مسابقه باید هموار باشد، مساوی و هم‌سطح باشد، برای همه یک جور باشد، امکانات اجتماعی باید برای همه بالسویه فراهم شود، شرایط شرکت در مسابقه اجتماعی باید برای همه فراهم شود. تا آنجا که به میدان مسابقه یعنی امکانت اجتماعی مربوط است همه مساوی هستند و باید مساوی باشند، امّا در مسابقه یک چیز دیگر هست که مربوط به میدان مسابقه یا شرایط مسابقه نیست ، مربوط است به خود مسابقه دهندگان؛ یکی چابک‌تر است ، یکی لاغرتر، یکی با عزیمت‌تر و با همت‌تر و کوشاتر است ، یکی سابقه تمرین بیشتر دارد. این تفاوت‌ها در نتیجه مسابقه دخالت دارد و نباید آن‌ها را نادیده گرفت. باید به آن‌ها احترام گذاشت (مطهری،۱۴۳:۱۳۸۸).معنی عدالت این نیست که همه مردم از هر نظر در یک حد و یک مرتبه و یک درجه باشند، جامعه خود به خود مقامات و درجات دارد و در این جهت مثل پیکر است ، وقتی که مقامات و درجات دارد، باید تقسیم-بندی و درجه‌بندی بشود، راه منحصر، آزاد گذاشتن افراد و زمینه مسابقه فراهم کردن است ، همین که پای مسابقه به میان آمد خود به خود به موجب اینکه استعدادها در همه یکسان نیست و به موجب اینکه مقدار فعالیت و کوشش‌ها یکسان نیست، اختلاف و تفاوت به میان می‌آید، یکی جلو می‌افتد و یکی عقب می‌ماند. مقتضای عدالت این است که تفاوت‌هایی که خواه ناخواه در اجتماع هست تابع استعدادها و لیاقت‌ها باشد (مطهری، ۱۳۰:۱۳۸۸).

در مجموع شهید مطهری با توجه به زمینه‌های تربیتی و به حکم تربیت حوزوی و زمینه آموزش فلسفی و کلامی، با دیدگاهی فلسفی به تعریف از عدالت پرداخت و در مورد عدالت نیز به اسلوب فلسفی متوسل می‌شد. به همین دلیل در تبیین مفهوم عدالت در پی ماهیت عدالت بود و در تشریح آن علل چهارگانه فلسفه ارسطو به ویژه علت فاعلی و غایی را مطرح می‌ساخت.

Archive of SID

www.SID.ir

ایشان برای تحقق عدالت به سازوکارهایی مانند قانون و ایمان در حکم پشتوانه قانون اشاره کرده و تاکید داشت برای تحقق عدالت حکومت باید شرایط مساوی مسابقه را برای همه فراهم سازد که از آن به عنوان مسابقه برای بقاء یاد می‌کرد. مطهری به حکم شیعی بودن و تعلق به مکتب کلامی عدلیه، عدالت را مقیاس و معیار دین می‌دانست و به لحاظ توجهی که در کلام شیعی به عقل در حکم منبع معرفت می‌شود، به تحلیل عقلی و فلسفی مفهوم عدالت روی آورد.[۱]

نمای عدالت اجتماعی از منظر مطهری

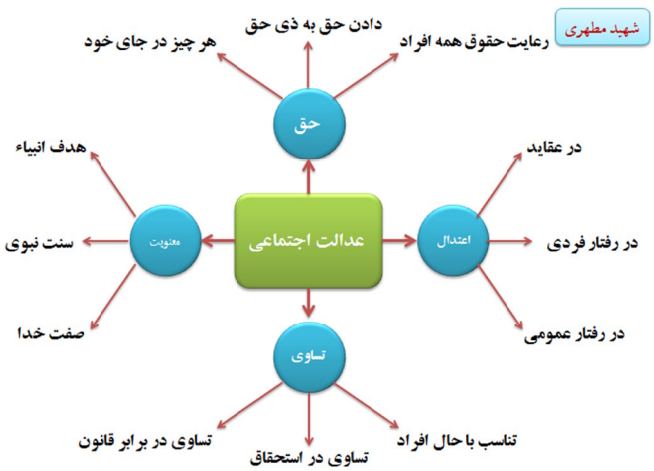

نتیجه گیری

ارایه نظرات آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری حاکی از آن است که هر دو عدالت را به معنای (وضع کل شیء فی موضعه) یا قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش و (اعطاء کل ذی‌حق حقه) یا عطاء به میزان استحقاق و حق را به حق‌دار رساندن و استیفای حقوق تفسیر نموده‌اند. راه رسیدن به این دو محور در اندیشه هر دو مبتنی بر معنویت‌گرایی و از طریق آموزه‌های دینی و اسلامی امکان‌پذیر است. مهمترین شاخصی که در بررسی‌های انجام شده از آراء هر دو نفر به دست آمده آن است که هر دو به مفهوم نظری و عملی عدالت توجه داشته‌اند. در میان شاخص‌های عدالت بیشترین تأکید هر دو نفر بر روی عدالت اجتماعی قرار دارد. با این

۱. رجوع شود به علیرضا مرامی (۱۳۷۸)، بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

www.SID.ir

تفاوت که عدالت اجتماعی از منظر رهبری با شدت بیشتری مورد تأکید قرار داشته است. در بیان شقوق عدالت اجتماعی نگاه هر دو نفر به محورهای اجرای عدالت بسیار نزدیک بوده است.

در میان محورهایی که برای اجرای عدالت اجتماعی مورد تأکید هر دو قرار داشته است، در حوزه نظری بیشتر بر روی معنویت‌گرایی است. رهبر انقلاب اسلامی نگاه توأمان به دین و سیاست، دنیا و آخرت و همچنین عقلانیت و معنویت را در ساخت انسان، جامعه و جهان مورد تأکید قرار داده‌اند. در حوزه عملی تأکید رهبری بیشتر بر روی برنامه‌ریزی برای رسیدن به عدالت است و توجه به مواردی مانند اخلاق، سیاست، اقتصاد، رشد و توسعه، آزادی، استقلال و معنویت را مهم‌ترین شاخص‌های استقرار عدالت می‌داند. در حالی که شهید مطهری در حوزه عملی با تأکید بر اصل تعادل آثار آن را در افکار، عقاید، اخلاق فردی و افکار عمومی مورد توجه قرار داده است.

در مجموع شهید مطهری با توجه به اهمیت مسئله عدالت در دوره زندگی خود و نگاه مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف در باب عدالت، تلاش خود را در عدالت‌شناسی بیشتر بر هستی‌شناسی قرار داد و در این حوزه مفهوم عدالت را در چهار محور موزون بودن، تساوی، رعایت حقوق افراد و رعایت قابلیت‌ها مورد توجه قرار داده و عدل الهی را به عنوان نقطه کانونی عدالت و سپس عدالت فردی را به‌عنوان زیربنای عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. رهبری انقلاب اسلامی با توجه به تشکیل حکومت اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دغدغه خود را بیشتر مبتنی بر اصول نظام ج.ا.ا از طریق توجه به موضوعات سیاسی در چهار محور استقلال، آزادی، معنویت و عدالت مورد توجه قرار داده و بقای انقلاب اسلامی را در توجه به عدالت اجتماعی، روحیه انقلابی، تأمین رفاه عمومی و ارزش‌های اسلامی بیان نموده و بنیان عدالت اجتماعی را در کاهش فاصله طبقاتی، برنامه‌ریزی برای فقرزدایی، امکان استفاده برابر از امکانات و فرصت‌ها می‌دانند.

با این حال به نظر می‌رسد تفاوت چندانی در حوزه نظر و عمل بین نظرات و دیدگاه‌های شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای وجود ندارد. هر کدام با توجه به شرایط زمانی و مکانی دوران خود و با تأکید بر مطلق بودن عدالت، به تئوری‌پردازی در باب مفهوم عدالت و راه‌کارهای اجرایی آن پرداخته‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

۱. امام خمینی .(۱۳۸۸). صحیفه نور.

۲. ارسطو .(۱۳۶۸). ***اخلاق نیکو ماخوسی***، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران: دانشگاه تهران.

۳. برزگر، ابراهیم .(۱۳۹۰). ***سیاست به مثابه صراط***، تهران: سمت.

۴. بشیریه، حسین .(۱۳۸۴). ***تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (لیبرالیسم و محافظه کاری)***، تهران: نی.

۵. بیات، عبدالرسول .(۱۳۸۱). ***درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر فلسفی***، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.

۶. رالز، جان .(۱۳۸۸). ***نظریه عدالت***، مترجم کمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی.

۷. رجایی، فرهنگ .(۱۳۶۴). ***مفهوم عدل در تاریخ سیاسی و فکری اسلام***، تهران: دانش.

۸. سروش، عبدالکریم .(۱۳۸۰). ***قبض و بست تئوریک دین***، تهران: صراط.

۹. سروش، عبدالکریم .(۱۳۸۶). ***ادب صدق، ادب عدالت***، تهران: موسسه فرهنگی صراط.

۱۰. سروش، عبدالکریم .(۱۳۸۰). ***اخلاق خدایان***، تهران: طرح نو.

۱۱. صلیبا، جمیل .(۱۳۶۶). ***فرهنگ فلسفی***، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: حکمت.

۱۲. مرامی، علیرضا .(۱۳۷۸). ***بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت***، تهران: مرکز اسناد.

۱۳. مطهری، مرتضی .(۱۳۵۷). ***نظام حقوقی زن در اسلام***، قم: صدرا.

۱۴. مطهری، مرتضی .(۱۳۶۱). ***بیست گفتار***، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۵. مطهری، مرتضی .(۱۳۶۸). ***پیرامون جمهوری اسلامی***، قم: صدرا.

۱۶. مطهری، مرتضی .(۱۳۶۸). ***نظری به نظام اقتصادی اسلام***، قم: صدرا.

۱۷. مطهری، مرتضی .(۱۳۷۰). ***مجموعه آثار***، قم: صدرا.

۱۸. مرامی، علیرضا .(۱۳۸۸). ***بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت***، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۹. مطهری، مرتضی .(۱۳۷۲). ***اسلام و مقتضیات زمان***، قم: صدرا.

۲۰. مطهری، مرتضی .(۱۳۷۳). ***بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی***، قم: صدرا.

Archive of SID

www.SID.ir

۲۱. مطهری، مرتضی .(۱۳۷۵). ***سیری در نهج‌البلاغه***، قم: صدرا.

۲۲. مطهری، مرتضی .(۱۳۷۵). ***مجموعهٔ گفتارها*** (۱)، قم: صدرا.

۲۳. مطهری، مرتضی .(۱۳۷۷). ***علل گرایش به مادی‌گری***، قم: صدرا.

۲۴. مطهری، مرتضی .(۱۳۸۸). ***عدل الهی***، قم: صدرا.

25. www.khamenei.ir www.leader.ir
26. Nozick , Robert, (1971) "Anarchy": State and Utopia, London, Blackwell
27. Forst , Rainer, (2002), "Contexts of justice", translated by john M. Farrell, University of California press,.
28. Rawls John, (1999), "A Theory of Justice", Harvard Univercity press, Cambridge, Massachusetts

Archive of SID

www.SID.ir